هو العلیم

حج، حقیقت عبودیت

و پرسش و پاسخ راجع به احکام حج

اسرار و احکام حج – مجلس چهارم
پاسخ به پرسش‌های زائران در آستانهٔ تشرّف به حج
۲۱ ذی‌قعده ۱۴۲۶ هجری قمری

بیانات
آیة الله حاج سید محمدمحسن حسینی طهرانی
قدّس اللّه سرّه

أعوذ باللَه من الشيطان الرجيم

بسم اللَه الرّحمٰن الرّحيم

وقتی که به بنده فرمودند عده‌ای از رفقا قصد دارند که ملاقاتی بشود. خیلی من اظهار خوش‌وقتی کردم، و[گفتم] مجلس بسیار مغتنم است و زیارت زوّار بیت‌الله اقتضا می‌کند که انسان وقت خودش را و فرصت خودش را [مغتنم بشمارد]؛ زیارت افراد خیلی مغتنم است.

و برای خود بنده هم خیلی موجب خوش‌وقتی است. منتهی مطالبی که باید خدمت رفقا عرض بشود، عرض شده است. منتهی اگر قرار بر این است که کسی سؤالی داشته باشد، چه راجع به مطالب مربوط به جنبهٔ باطنی و معنوی و روحانی، و چه مسائل شرعی، بنده در خدمت رفقا هستم. و مطالبی را که به‌نظر قاصر می‌رسد براساس همان کیفیت و ممشایی که از بزرگان نسبت به این مسئله به یاد دارم عرض می‌کنم. و ظاهراً این [سؤالات] هم مطالبی است که راجع به مسائل شرعی و [معرفتی] است که حال به اینها می‌پردازیم.

مغتنم‌شمردن توفیق زیارت بیت‌الله

از باب مقدمه عرض کنم که: ما باید این توفیقی که نصیب زائرین بیت‌الله می‌شود را مغتنم بشماریم، یعنی مسئلهٔ زیارت حج و زیارت بیت‌الله و پس از آن زیارت معصومین علیهم السّلام در مدینه ـ و یا قبل از آن، از این نظر تفاوتی ندارد ـ یک موهبت الهی است! موهبتی است که واقعاً خداوند نصیب عده‌ای می‌کند.

و چقدر مهم است که ما متوجه بشویم که خدای متعال خواسته است یک قدری ما را متوجه کند، یک قدری ما را از این تفکّرات اعتباری و تخیّلات و توهّمات بیرون بیاورد، یک سری هم به‌جای دیگر بزنیم و ببینیم خبرهای دیگری هم هست.

مسئله و زندگی ما فقط در همین حول‌وحوشِ صبح سرِ کار بیرون رفتن و شب برگشتن و بعد انس با اهل و عیال و شریک و رفیق و زندگی را گذراندن، و در ضمن هم یک نماز و روزه‌ای هم گرفتن و خواندن [نیست] و مسئله فقط به این برنمی‌گردد! یک مطالب دیگری هم هست، یک عوالم و حقایق دیگری هم هست که خدای متعال خواسته است که اینها را با تغییر و تحوّل به ما بفهماند.

چون اگر ما در زندگی خودمان بودیم، هیچ‌وقت اینها را نمی‌فهمیدیم! صبح که از منزل بیرون می‌آییم،

یا به دفتر و کارخانه و مغازه می‌رویم یا به فلان سازمان و اداره می‌رویم؛ تمام آنچه که در حول‌وحوش ما می‌گذرد، مسائل مُنسیّه و به‌فراموشی‌اندازندهٔ ما از آن مطلب اصلی و مسئلهٔ حقیقی است! چه‌کسی مثل شخصی از اولیای الهی پیدا می‌شود که با توجه به این مسائل آن جهت را هم لحاظ کند و بتواند با یک‌دست دو وزنه بردارد. و بتواند در یک حال آن حالت وحدت و حالت انس و حالت ربط را هم حفظ کند؟! کجا چنین چیزی پیدا می‌شود؟!

لذا خدای متعال برای ما راهی قرار داده است، که خود را با جدا کردن از آن محیطی که با او مأنوس هستیم، بتوانیم این جدا کردن ظاهری را مقدمه‌ای برای تغییر و تحوّلات قرار دهیم؛ از زندگی خود بیرون می‌آییم و وارد جایی و فضایی می‌شویم که همهٔ انبیاء الهی و پیغمبران گذشته در این فضا آمده‌اند. الآن [سفر حج] با این وضعیت و کیفیت و با این نحو از معیشت و پذیرایی وجود دارد، سابق که این‌طور نبود! اگر به سیصد سال پیش برگردیم، به دویست سال پیش برگردیم، در آن‌موقعی که هیچ‌کدام از وسایل امروزی وجود نداشته است؛ گرمای شصت‌درجهٔ مکّه را در نظر بیاوریم، بدون اینکه پنکه‌ای بوده باشد! باران و بادهای آن‌موقع را در نظر بیاوریم، بدون اینکه یک وسیلهٔ نقلیه و ماشین و وسایل امروزی بوده باشد! مردم چطور بین مدینه و مکّه را طی می‌کردند؟ با الاغ و شتر و یا پیاده طی می‌کردند!

الآن مسائل به این کیفیت و به این نحو آسان و سهل است. تمام سختی مکّه فقط همان دو سه روزی است که انسان به عرفات و بعد به مشعر و منی می‌رود که آه و نالهٔ او هم به فلک می‌رسد: «ای وای چه شده است! ای داد به کجا رسیده است!» درحالی‌که در سابق عرفات این‌طور نبود، این درختان و آب نبود، این وضع نبود! مشعر و منی این‌طور نبود! خب ما باید به این مطلب فکر کنیم که خداوند ما را در جایی آورده است که همهٔ انبیا با آن مراتبشان و با آن مسئله و وضعیتشان و با آن شناخت و معرفتشان باز به اینجا می‌آیند، باز می‌آیند و در همین‌جا طواف می‌کنند.

حج از منظر اهل‌بیت و اولیای الهی

امام حسن علیه السّلام بیست و پنج مرتبه زیارت خانهٔ خدا کرد. و بسیاری از آنها پیاده بود! یعنی حضرت از مدینه تا مکّه را پیاده طی می‌کردند، درحالتی‌که مرکب جلوی ایشان بود![1] خب واقعاً امام چه مسئله‌ای را احساس می‌کند؟ جایی که امام علیه السّلام چنین حال‌وهوایی دارد! امام سجاد با آن وضع پیاده به مکّه می‌رفت،[2] موسی بن جعفر پیاده به مکّه می‌رفت و آن حضرت را در بین راه مکّه پیاده دیده بودند،[3] امام

---

[1] . مناقب آل ابی‌طالب علیهم السّلام، ج ۴، ص ۱۴.

[2] . الإرشاد، ج ۲، ص ۱۴۴؛ مناقب آل ابی‌طالب علیهم السّلام، ج ۱، ص ۱۵۵.

[3] . کشف الغمّة، ج ۲، ص ۲۱۳ و ۲۱۴.

رضا علیه السّلام و سایر ائمه همین‌طور؛ [1] خود رسول خدا پس از آمدن از مکّه فرمودند:

چون مرا از مکّه بیرون کردند دیگر به‌عنوان خانه و سُکنیٰ نمی‌گزینم ولی نمی‌توانم از کعبه دل بکنم!

و این معنا، خیلی معنای عجیبی است که پیغمبر می‌فرماید: «چون مرا از مکّه بیرون کردند دیگر به‌عنوان خانه و سُکنیٰ نمی‌گزینم ولی نمی‌توانم از کعبه دل بکنم! حضرت چندمرتبه به حج آمدند؛ حضرت بعد از آمدن به مدینه چندمرتبه به مکّه آمدند که آخرین آن همین حجّةالوداع بود که مأمور به نصب ولایت برای امیرالمؤمنین علیه السّلام شدند! [2] حالا خداوند توفیق داده است که ما به چنین جایی مشرّف شویم.

کنار گذاشتن همه تعیّنات و تعلقات

بنابراین اوّل‌چیزی که باید ما در نظر بگیریم این است که فکر خود را از ارتباط با آن محیط بیرون بیاوریم و هرچه بیشتر بیرون بیاوریم بیشتر کاسبی کرده‌ایم! اما اگر بلند شویم و بیرون بیاییم و مدام صبح، عصر، شب تلفن کنیم، فردا تلفن کنیم، نه! دیگر از آن محیط بیرون آمده‌ایم؛ بنده نمی‌گویم که انسان قطع کند، نه! گاهی تلفن بزند و اشکالی ندارد، بالأخره برای آنها تجدید خاطراتی می‌شود، برای افراد موجب انبساطی می‌شود؛ اما باید فکر آزاد باشد! خدا دوست ندارد کسی که به زیارت خانهٔ او می‌رود، فکرش را هم با آن تعلّقات با خودش بیاورد و همراه با آن تعلّقات طواف کند و در لبّیکی که می‌گوید تعلّقات باشد! وقتی که ما از منزل بیرون می‌آییم باید بگوییم: خدایا ما آمده‌ایم، دیگر هرچه در کاسهٔ ما ریختی، ریختی! دیگر ما جدا شده‌ایم، دیگر از آن شراکت جدا شده‌ایم.

لباس احرام نمادی از رفع تعلقات

لباس احرام حکایت از همین مطلب می‌کند و همین‌طوری نیست که ما لباس را دربیاوریم و لباس احرام بپوشیم! خب خدا می‌گفت با همین کت‌وشلوار و یا با همین عبا و قبا هم می‌توانی مُحرِم بشوی و منظور نیت است! نه، منظورِ خدا در اینجا این است که واقعاً بیرون بیاییم، واقعاً جدا بشویم، لباسمان را هم بکَنیم و دور بیندازیم، این لباس به‌درد اینجا نمی‌خورد! و اگر می‌شد که انسان برهنه لبّیک بگوید، خدا همین احرام را هم برمی‌داشت! همین احرام را هم برمی‌داشت و همین‌مقدار تقیّد هم برمی‌داشت! ولی خب دیگر این نمی‌شود.

لذا خداوند آمده و همهٔ تعیّنات را در اینجا برداشته است؛ گفته است مرد باید احرام بپوشد، اما لباس احرام زن فرق می‌کند؛ جمال و ارزش زن در چهرهٔ او تبلور پیدا می‌کند، باید این چهره نمودار باشد و نمی‌تواند

---

[1] . رجوع شود به الکافی، ج ۱، ص ۷۲ و ج ۴، ص ۲۴۴ ـ ۲۵۲ و ۵۳۲؛ عیون أخبار الرضا علیه السّلام، ج ۲، ص ۱۵ ـ ۱۸ و ۱۳۵ و ۲۲۵ و ۲۲۶؛ کمال الدین، ج ۲، ص ۴۴۰؛ کشف الغمّة، ج ۲، ص ۱۱۷؛ مناقب آل ابی‌طالب علیهم السّلام، ج ۴، ص ۶۹.

[2] . رجوع شود به الکافی، ج ۴، ص ۲۴۴ ـ ۲۵۲.

بپوشاند! بعضی از این مقدّس‌ها هستند که در آنجا می‌آیند و روی خودشان را می‌پوشانند! نه‌خیر، این غلط است و باطل است؛ باید چهرهٔ زن پیدا باشد.[1] مرد وظیفه ندارد و حرام است نگاه کند، اما نه‌اینکه زن [روی خود را بپوشاند!] یا بعضی‌ها می‌آیند و چیزی جلویشان می‌گذارند که آن چهره مشخص نباشد! این‌هم باطل است و این‌هم غلط است. مقدّس‌مآبی در اینجا راه ندارد، انسان باید دینی را برگزیند که او اختیار می‌کند، ما دیگر نباید کاسهٔ داغ‌تر از آش بشویم، او می‌گوید باید چهره را نشان بدهی! مرد وظیفه ندارد نگاه کند و اگر نگاه کند کار حرام انجام داده است و آن به‌جای خود! بله، زن می‌تواند صورت خود را برگرداند و این اشکال ندارد؛ وقتی می‌بیند که [مورد] توجه مردها است یا ممکن است در جایی [مورد توجه قرار بگیرد،] می‌تواند صورت را برگرداند یا سر را پایین بیندازد. اما اینکه بخواهد بپوشاند نه‌خیر! مطلب به این کیفیت نیست. خلاصه خدا در اینجا گفته است: از خودت دین درست نکن! آن دینی را که من گفته‌ام، همان را انجام بده!

نقد فتوای بطلان طواف مستحب

من در بعضی از این رساله‌های عملیه خوانده‌ام که گفته‌اند:

> طواف مستحب انجام ندهید، چون ممکن است در حین طواف بین زن و مرد تماس پیدا بشود و تماس حرام است! بنابراین طواف مستحب باطل است و باید انسان به همان طواف واجب اکتفا کند.

نه‌خیر! این فتوا باطل است و هیچ صحّت ندارد و هیچ منبع شرعی ندارد و من‌درآوردی است و انسان باید در آنجا طواف کند؛ اگر تماس حرام است، دیگر فرقی بین واجب و مستحب ندارد و خدا باید طواف واجب را هم بردارد! انسان باید طواف کند، مستحب است؛ هزار بار، ده‌هزار بار، صدهزار بار، هرچه بود! اگر تماس پیدا شد، شد؛ و اگر تماس پیدا نشد، نشد؛ ما نباید در آنجا خود را در معرض تماس قرار دهیم. اینکه خصوص زن باید کنار برود، تفاوت نمی‌کند! در آنجا بین مرد و زن فرق نمی‌کند؛ اگر تماس برای زن حرام است، برای مرد هم حرام است و هیچ فرقی نمی‌کند.

دیدگاه علامه طهرانی در باره طواف حرم امام رضا علیه السلام

یکی از مسائلی که مرحوم آقا راجع به اینکه حرم امام رضا را بستند می‌فرمودند [این بود]:

> این کار غلط است. باید افراد دوْر حرم امام رضا طواف کنند؛ حال اگر به همدیگر برخورد می‌کنند، برخورد نکنند! نباید توجه داشته باشند؛ نه‌اینکه بیایند و حرم را ببندند به نحوی که جلوی طواف گرفته شود!

این را چه‌کسی می‌فهمد؟ آن کسی که ولیّ خدا است و می‌داند در اینجا چه خبر است! اگر قرار بر این است که شیطان باشد، شیطان هم در حرم امام رضا است و هم در مکّه است، در همه‌جا هست. این پول‌هایی

---

[1] . رجوع شود به وسائل الشیعة، ج ۱۲، ص ۴۹۳ ـ ۴۹۵ و ۵۰۵؛ ج ۱۳، ص ۴۲۱.

که سُرّاق[1] از جیب‌ها در حرم می‌زنند، برای چیست؟! به‌خاطر شیطان است دیگر! این نگاهی که ممکن است در حرم نسبت به یک نامحرم بیفتد برای چیست؟! به‌خاطر وسوسهٔ شیطان است!

نباید بگوییم چون اینجا حرم امام رضا است پس اینجا شیطان نیست! نه‌خیر، شیطان آنجا هم هست، شیطان آنجا هم می‌آید و حضور خودش را رسماً اعلام می‌کند؛ در کعبه هم همین‌طور است، در مسجدالحرام هم همین‌طور است، در مسجدالنّبی هم همین‌طور است، همان شیطان می‌رود جلو می‌ایستد و نماز می‌خواند و همه هم به او اقتدا می‌کنند! این‌طور نیست؟ معاند و دشمن امیرالمؤمنین امام جماعت می‌شود و بعد هم بقیّه به او اقتدا می‌کنند؛ این شیطان است دیگر! اصلاً به تمام قیافهٔ او نگاه کنی، شیطنت می‌بارد و کدورت و ظلمت سراپای وجود آنها را گرفته است و انسان غیر از لقلقهٔ لسانی چیزی از آنها مشاهده نمی‌کند. این به‌خاطر این است که دست آنها از امیرالمؤمنین کوتاه است، از ولایت کوتاه است؛ به‌دنبال هوای دنیا است. بدبختی دنیا و آخرت را برای خودشان خریده‌اند!

بنابراین انسان نباید به این مطالب توجه کند. انسان می‌تواند طواف را همه‌وقت انجام بدهد و بین مستحب و واجب فرق نمی‌کند؛ منتهی نباید توجه بکند، باید انسان در موقع طواف ذکر بگوید، توجه به کعبه داشته باشد، توجه به الله داشته باشد، اصلاً ذهنش را نباید بیاورد که الآن کنار و جلو و عقب او کیست و با چه‌کسی طواف می‌کند! اصلاً نباید این مطالب در ذهن بیاید.

مسئلهٔ اساسی این است که ما از تمام افکار بیرون بیاییم و نیاز نیست که به خدا فکر کنیم، همین‌قدر فکر نداشته باشیم و فکرمان جای دیگر نباشد، خدا خودش در آنجا می‌آید! مدام به خدا فکر کردن فایده‌ای ندارد، نتیجه ندارد، ما می‌خواهیم به چه‌چیز خدا فکر کنیم؟ چیزی ندارد! خدا می‌گوید خودت را از تعلقات بیرون بیاور من به‌جای آن وارد می‌شوم! پس ما در مکّه، در اعمال و در موارد مختلف [باید خود را از تعلقات بیرون بیاوریم!] البتّه حالات در عرفات و [جاهای دیگر] تفاوت پیدا می‌کند. همان‌طور که بنده عرض کردم رفقا توجه کنند و با توجه به نوارهایی که راجع به این مسئله است،[2] اگر مطلبی بود و به نظرشان رسید، مسئله را بفرمایند.

آنچه که در موقع احرام و در موقع طواف و در مسجدالحرام و به‌طورکلی، در یک بینش کلی برای یک زائر بیت‌الله مهم است، این است که دیگر در آنجا واقعاً برای خود حساب باز نکند! از این حساب‌هایی که در این دنیا بوده و توقعاتی که در نفس خود پرورانده و با آن توقعات زندگی کرده است؛ توقع دارد به او سلام کنند، توقع احترام دارد، توقع دارد وقتی که می‌آید بلند شوند و به او جا بدهند تا بنشیند، توقع دارد وقتی که

---

[1] . دزدان. (محقق)

۲. رجوع شود به نرم‌افزار آوای ملکوت، جلسات اسرار و مناسک حج.

می‌آید، راه را باز کنند؛ واقعاً تمام این توقعات خیالی و پوچ و بی‌ارزش را کنار بگذارد! اولیای الهی و سُلاّک و زائرین واقعی بیت‌الله بودند که [تمام این توقعات خیالی و پوچ و بی‌ارزش را کنار گذاشتند].

خدمت کردن مرحوم شیخ محمد بهاری به زوّار بیت الله

در سفری که مرحوم آقا شیخ محمد بهاری رفته بود، ایشان به‌گونه‌ای در کاروان بود که تا آخر سفر کسی نفهمید که این آقا شیخ محمد بهاری است! به زوّار خدمت می‌کرد، برای آنها چایی می‌آورد و...؛ مرحوم آقا شیخ محمد دیگر! از شاگردان معروف آخوند ملاّحسینقلی همدانی! تمام وقتی که ایشان در مکّه بود، آن‌طور بود، مثل یک آدم معمولی، همین لباس عربی می‌پوشید، بدون اینکه عمامه‌ای بگذارد و توجه شخصی نسبت به او جلب شود، مثل یکی از افراد می‌رفت آب می‌آورد، می‌رفت برای شستشوی افراد آب می‌آورد و در کارها کمک می‌کرد. همهٔ افراد کاروان خیال می‌کردند که ایشان یک آدم عادی و مثل بقیّهٔ افراد است، می‌خواهد برای خدا خدمت کند؛ وقتی که تمام شد و ایشان هم به نجف آمد، بعضی از آن افراد دیدند که عجب! اصلاً بُهتشان برد که چطور در تمام این مدت کسی نفهمیده بود که این چه شخصیتی است! ببینید، انسان باید این‌طور احرام ببندد، خدا این‌طور زائری می‌خواهد! اما اگر انسان بخواهد با همان توقعات و با همان تفکرات و با همان نیت‌ها حج انجام بدهد، نصیب او کم خواهد بود.

برخی دستورالعمل‌ها برای بهره‌مندی بیشتر از سفر حج

پرهیز از صحبت زیاد با دیگران

رفقا با افراد خیلی صحبت نکنند، با افراد عادی خیلی حرف نزنند؛ مردم همیشه درحال خودشان هستند و خودتان خواهید دید و دیده‌اید که در مکّه هم که شده است چه حرف‌هایی می‌زنند! در جلساتشان چه مطالبی می‌گویند، مردم به چه مطالب پوچی گرفتار هستند و سر چه مطالبی با هم دعوا دارند! واقعاً خیلی حیف است که انسان این چند روز را بخواهد با صحبت با اغیار برای خودش دردسر درست کند و از سهم خود کم بگذارد؛ اگر می‌خواهید صحبت بکنید، با خودتان صحبت کنید، لازم نیست از مسائل مختلف و جریان‌ها و مسائل اجتماعی و مطالب مختلف بگویید، سرتان به‌کار خودتان باشد، از آن فرصت‌هایی که برای شما پیدا شده است استفاده کنید؛ متوجه هستید چه می‌خواهم عرض کنم؟!

مواظبت بر وقوف در عرفات

شب عرفه را قدر بدانید، صبح که می‌شود بلند شوید و بروید جایی و گوشه‌ای برای خودتان بنشینید و به گناهان و به خطاها و به لغزش‌ها [فکر کنید؛] روز عرفه خیلی مهم است! خیلی مهم است! بروید گوشه‌ای برای خودتان [بنشینید] بدون اینکه با این و آن صحبتی کنید و مسائل مختلف وقت شما را بگیرد و حال شما را از بین ببرد؛ خودتان را باید از آن روز برای بعد از ظهر عرفه آماده کنید، باید از صبح آن روز آماده کنید،

نگذارید افکار مختلف بیاید و شما را از آن حال‌وهوا دربیاورد! روز، خیلی روز مهمی است؛ همه‌چیز روز عرفه است و در روایت داریم:

«**الحَجُّ عَرَفَةٌ**؛[1] اصلاً تمام حج روز عرفه است!»

متوجه حساسیت حال و هوا و زمان و مکان باشیم و ادعیه‌ای که در آنجا وارد است و انسان می‌تواند به ادعیه بپردازد؛ اگر حال دعا خواندن ندارد برود یک‌گوشه بنشیند و فقط فکر کند، فقط به خودش مشغول باشد، به رحمت پروردگار نگاه کند، به عظمت پروردگار نگاه کند، به ناچیزی خودش نگاه کند، به این همه درد و مصیبت و گرفتاری که برای خودش درست کرده است و برای او درست کرده‌اند نگاه کند! بگوید: خدایا من واقعاً می‌خواهم دیگر از این گرفتاری بیرون بیایم، نمی‌خواهم وقتی که از مکّه برمی‌گردم فرد سابق باشم، می‌خواهم یک فرد جدید و با یک روحیّهٔ جدید باشم؛ خدا هم او را کمک می‌کند! راست بگوییم، صدق داشته باشیم، خدا کمک می‌کند.

مگر همین امروز نفرمودند! ابن‌سمّاک به آن شخص می‌گوید:

[خدای متعال می‌فرماید:] کسی که یک وجب به‌سمت من بیاید و به‌سمت من اقبال کند، من ده وجب به‌سمت او می‌آیم![2]

کسی که اقبال نکند، ما هم اقبال نمی‌کنیم؛ ما این‌قدر افراد خلق کرده‌ایم که به سراغ آنها برویم و دست آنها را بگیریم! خیال نکنید حالا اگر ما به‌سمت خدا نرفتیم کار خدا کساد است! نه‌خیر آقا، خیلی هم آباد است! آباد!! هیچ نیازی به ما ندارد، هیچ! ابداً! می‌گوید صد هزاران مثل تو برفتند پی کارشان! اصلاً نیم‌نگاهی هم به شما نمی‌کند! اما نه، هستند افرادی که به ما روی می‌آورند و ما هم با تمام وجود به آنها روی می‌آوریم.

اظهار عجز و بندگی

بنابراین این معنا را در روز عرفات بگوییم که ما در دستگاه خدا حساب نداریم! برای خودمان دکان‌داری نکنیم و کتاب و مکتب راه نیندازیم و با کوله‌بار به آنجا نرویم. آنجا متاعِ بی‌چیزی می‌خرند، متاع عبودیت می‌خرند، متاع ندانم‌کاری می‌خرند، متاع پشیمانی و توبه می‌خرند، آنجا این‌طور است. اگر بخواهیم با خودمان [چیزی] ببریم، آنجا خریدار ندارد! آنجا این مسائل خریدار ندارد و چه‌بسا ممکن است افرادی که برحسب ظاهر خیلی دارای عنوان هستند و حتی عناوین دینی و الهی دارند، چندان به آنها توجه نمی‌شود! اما به فردی

---

۱. مسند أحمد، ج ۴، ص ۳۰۹؛ عوالی اللّئالی، ج ۲، ص ۹۳.

۲. مسند أحمد، ج ۲، ص ۴۱۳:

«ثنا أبو صالح قال سمعت أبا هريرة يقول قال رسول الله صلى الله عليه [و آله] وسلم: **قال الله عزّوجلّ:...من تقرب إلى شبرا تقربت إليه ذراعا و من تقرب إلى ذراعا تقربت إليه باعا....**»

که گوشه و کنار است و سَر به زیر است و خیلی مطرح نیست و هیچ‌کس به او اعتنا نمی‌کند، به او توجه می‌شود! خلاصه، آنجا چنین حساب و کتابی است.

پس رفقا که در این مدت با مکتب بزرگان آشنا شده‌اند، خودشان می‌دانند که دیگر کم‌کاری خسارت است! حالاکه ما مطلب را فهمیدیم و مسئله را یافتیم و حقیقت مطلب به دست آمده است، دیگر اگر بخواهیم وقت خود را به مطالب متفرقه و این طرف را دیدن و آن‌طرف را دیدن و حرف‌های اجتماعی و این چه کرد و آنچه کرد و آنجا چه خبر است و اینجا چه خبر است بگذرانیم [موجب خسارت است!] رفقا، دیگران گذراندند و خسارت آن را هم دیدند و صدها سال بر این قضیّه گذشت و تاریخ هم‌چنان می‌گذرد! زرنگ و رِند و کیّس آن کسی است که بیاید و تجربهٔ افراد خاسر را دیگر دوباره تجربه نکند؛ بلکه به همان مطالبی که بزرگان فرموده‌اند عمل کند تا اینکه خودش نتیجه را ببرد و آنچه را هم که برای ما بیان می‌کنند گواه و تأیید همین مسئله است.

پرسش و پاسخ

حال آن [سؤالاتی] را که الآن رفقا دادند را ببینم که در چه حدی است و برحسب فرصتِ در وقت اگر مطلبی به‌نظر می‌رسد خدمت رفقا عرض می‌کنم.

احکام بانوان در حج

سؤال: در مورد سنّ یائسگی، چه سنّی می‌باشد؟

جواب: سنّ یائسگی برای هاشمی و غیرهاشمی متفاوت است؛ پنجاه‌سالگی و شصت‌سالگی برای غیرهاشمی و برای هاشمی است. ولکن اگر انسان به‌واسطهٔ مرض یا به‌واسطهٔ طبیعت خود فرد به حدّی برسد که دیگر اوقات عادت برای او منتفی شود، سنّ یائسگی او همان خواهد بود! اگر از سی‌سالگی یا چهل‌سالگی یا پنجاه‌سالگی دیگر خون ندید و این مسئله قطع شد، برای او همان [زمان] سن یائسگی است. ولی به‌طور معمول برای افراد عام، پنجاه‌سالگی و افراد سید و هاشمی شصت‌سالگی است؛ مگر اینکه به‌واسطهٔ خوردن بعضی از داروها و تقویت بعضی از غُدد، این سن بالاتر برود و تجاوز کند، که باز در این‌صورت سن یائسگی بالا خواهد رفت. علیٰ‌کلّ‌حال متعارف آن همین‌قدر است که عرض کردم؛ ولی برحسب اختلاف مزاج‌ها و شواکل و همین‌طور مسئلهٔ داروها و مسائلی که در طول زندگی برای انسان پیش می‌آید، ممکن است تغییر پیدا کند.[1]

سؤال: چنانچه فردی در ایّام حج یائسه باشد، چه حکمی دارد؟ اگر خونی ببیند چه حکمی دارد؟

---

[1] . رجوع شود به وسائل الشیعة، ج ۲، ص ۳۳۵ ـ ۳۳۷.

جواب: طبعاً باید استحاضه بگیرد و نماز و طواف او صحیح است و می‌تواند داخل در مسجدالحرام بشود، منتهی باید احکام استحاضهٔ قلیله و متوسطه و کثیره را در اینجا رعایت کند.

سؤال: با توجه به نوارهای جنابعالی، در وقوف در مشعر و جمع کردن سنگ‌ها از مشعر، بعضی از کاروان‌ها این اجازه را به خانم‌ها نمی‌دهند که حتی از اتوبوس پیاده شوند تا هم چند قدم راه بروند و یا سنگ جمع‌آوری کنند؛ تکلیف چیست؟

جواب: در این حال اگر مَحرمی در خود کاروان دارند می‌توانند از آن محرم استفاده کنند و بگویند از مشعر برای ما سنگ جمع کن، اشکالی ندارد! و فردا که روز منی است این سنگ‌ها را به او تحویل بدهند که برود سنگ بزند و رمی کند؛ و یا اگر نمی‌توانند، آن سنگ‌ها را به نائب بدهند که از طرف آنها رمی کند. اگر شوهر دارند، برادر دارند، محرم دارند، و یا حتی آشنایی دارند ـ ممکن است یک مرد آشنایی باشد ـ برای او هم سنگ جمع کنند. سنگ جمع کردن از مشعر بسیار مستحب است و رفقا این را ترک نکنند! الآن می‌گویند از خود مکّه سنگ جمع کنید! رفقا بدانید سنگی که از مکّه جمع می‌کنند چون از حرم خارج می‌شود اشکال دارد! چون انسان نباید سنگ حرم را از حرم خارج کند؛ گرچه نیت او این است که بعد دوباره برگرداند و در منی رمی کند، ولی خارج کردن سنگ از حرم حرام است! می‌گویند سنگ را در مکّه، از همان کوه‌های نزدیک خیابان‌هایی که فاصله دارد جمع کنید و حتی می‌گویند سنگ‌ها را هم بشکنید! شکستن سنگ کراهت دارد و آن سنگی که برای رمی است نباید شکسته باشد و باید سالم باشد، یعنی همین‌قدر که شکسته نباشد؛ و اندازهٔ آن هم به اندازهٔ یک نخود باشد کافی است! بیشتر نباشد که موجب اذیّت دیگران و ایذاء آنها هم نشود. و بهتر است که سنگ‌ها سنگ‌های مُنقّش باشد، یعنی نقطه‌نقطه باشد. و این سنگ‌ها از مشعر جمع شود! بیرون بردن سنگ به عرفات، چون عرفات خارج از حرم است، شرعاً ایراد دارد! بنابراین رفقا از مکّه سنگ جمع نکنند، بلکه از مشعر سنگ جمع کنند و حتی از خود منی هم می‌شود! اگر کسی از مشعر نمی‌تواند، از خود منی جمع کند، البتّه نه سنگ‌هایی که استعمال شده است، نه! سنگ‌ها باید بِکر باشند و استعمال نشده باشند. انسان می‌تواند از همین بیابان‌های خود منی هم سنگ‌ها را جمع کند! در مشعر بهتر است و خوب است که انسان به افراد دیگر توصیه کند که برای او جمع‌آوری کنند.[1]

سؤال: در مورد خانم‌هایی که عذر دارند و شما فرمودید از یک درب مسجد شجره وارد و از درب دیگر خارج شوند، با توجه به شلوغی مسجد نمی‌شود از یک درب وارد و از درب دیگر خارج شد و به‌خاطر زیادی جمعیت ممکن است در آنجا وقوف حاصل شود؛ لطفا توضیح دهید.

---

[1] . رجوع شود به وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۳۱ ـ ۳۴ و ۵۹.

جواب: نه، آن‌قدر شلوغ نیست که این کار را هم نشود کرد! نه‌خیر، انسان می‌تواند این را انجام بدهد و جمعیت خیلی آن‌چنان نیست و تا به‌حال سابقه نداشته است که به این حد باشد که انسان نتواند انجام بدهد! علیٰ‌کلّ‌حال اگر هم نشد، همان محوطه و محیط مسجد شجره هم برای احرام کفایت می‌کند و آن افرادی که عذر دارند می‌توانند در همان خارج از مسجد شجره مُحرِم بشوند؛ زیرا در احرام، توقف در خود آن نقطهٔ به‌خصوص شرط نیست، بلکه محاذی با آن هم برای احرام بستن کفایت می‌کند.

نماز جماعت در حج

سؤال: در مورد نمازهای واجب که شما فرمودید به‌صورت فرادی ولی در صف آنها باشید، نظر جنابعالی به این‌صورت بهتر است یا اینکه به‌صورت فرادی و به‌تنهایی بخوانیم؟

جواب: نه، بهتر این است که اگر چنانچه در موقع نماز با آنها هستیم، همان نماز را به آن شکل بخوانیم، یعنی نیت اقتدا نمی‌کنیم و فقط در فعل اقتدا می‌کنیم، یعنی او به رکوع می‌رود انسان هم به رکوع می‌رود، او بلند می‌شود انسان هم بلند می‌شود، ولی فرادی می‌خواند! و ما آن حمد و سوره را آهسته بدون اینکه مخالف با تقیه باشد انجام می‌دهیم.

سؤال: آیا در مسجدالحرام و مسجدالنّبی نمازهای مستحبی، نماز حضرت امیرالمؤمنین یا فاطمهٔ زهرا را می‌توانیم بخوانیم یا فقط نمازهای یومیّه واجب؟

جواب: نه، اشکال ندارد؛ می‌شود هر نمازی را خواند.

سؤال: آیا می‌توانیم نوافل را هم بخوانیم؟

جواب: بله، نوافل را هم می‌شود در آنجا خواند. البتّه رفقا این را بدانند که در هرجای مکّه و مدینه می‌شود نماز را تمام خواند و این‌طور نیست که فقط اختصاص به مسجدالنّبی داشته باشد! در هر نقطه از مدینه، چه مدینهٔ قدیم و چه مدینهٔ جدید [نماز تمام است] و حتی توسعه پیدا کرده است، به‌خصوص در مکّه! مکّهٔ قدیم و جدید ندارد.[1] و این مسئله در مورد احرام هم هست؛ ما می‌توانیم از هر نقطهٔ از مکّه محرم بشویم، هم مکّهٔ قدیم و هم مکّهٔ جدید، هر دوی آنها از این نقطه‌نظر تفاوتی نمی‌کند. حالا بعضی‌ها احتیاط می‌کنند که در همان مکّهٔ قدیم که نزدیک مسجدالحرام است احرام ببندند، آن مطلبی است؛ ولی اگر نشد اشکالی ندارد. در تمام مکّه نماز تمام است، گرچه انسان می‌تواند قصر هم بخواند، ولی تمام است. در تمام مدینه هم نماز تمام است و اختصاصی به مسجدالنّبی ندارد. و خصوصیتی در مکّه هست و رفقا این مطلب را بدانند که دیگر در مکّه، جلو بودن مرد شرط نیست و این فقط اختصاص به مکّه دارد! اگر مرد جلوی زن باشد، یا زن جلوی مرد

[1] . رجوع شود به وسائل الشیعة، ج ۸، ص ۵۲۴ ـ ۵۳۴.

باشد و یا مساوی باشند، هیچ‌کدام اینها تفاوتی نمی‌کند؛ لذا هم مردها و هم خانم‌ها می‌توانند با خیال راحت در مسجدالحرام چه نماز واجب و چه نماز مستحبی خود را بخوانند و درصورتی‌که زن هم جلوی آنها باشد هیچ اشکالی ندارد![1] این فقط مخصوص مکّه است و مدینه این‌طور نیست؛ باید در مدینه لحاظ شرایط بشود.

قرآن خواندن در حج

سؤال: خواندن قرآن که تأکید زیادی شده است، آیا با توجه به معنا بخوانیم؟ که در این‌صورت وقت بیشتری لازم است و ممکن است یک جزء یا بیشتر نتوانیم بخوانیم؛ یا اینکه یک جزء کامل بدون معنا بخوانیم؟ کدام بهتر است؟

جواب: نه، توجه زیاد به معنا نکنید؛ بلکه در آنجا نفس خواندن قرآن ملاک است[2] و این نحوه قرآن خواندن با آن قرآن یومیه‌ای که رفقا می‌خوانند فرق می‌کند.

زیارت حضرت رسول و ائمه

سؤال: آیا برای زیارت ائمه و حضرت رسول باید اذن دخول را بخوانیم؟

جواب: بله؛ بهتر است که انسان اذن دخول را بخواند.[3]

سؤال: به‌محض دیدن کعبه افضل است که چه‌چیزی بخوانیم؟

جواب: چیزی لازم نیست! انسان لا إله إلّا الله و الله أکبر بگوید.

سؤال: استفاده از پماد یا کِرِم به علت ناراحتی پوستی درحال احرام چگونه است؟

جواب: بهتر است که پماد و کرم معطّر نباشد، و اگر حتماً زدن پماد یا کرم معطّر الزامی است، در این‌صورت بهتر است که بعد از اعمال ـ چه در آنجا و چه در اینجا ـ یک گوسفند به فقرا بدهد؛ البتّه بهتر است و واجب نیست! درصورتی‌که برای او [مانعی] باشد واجب نیست، بلکه بهتر است.[4]

سؤال: غسل طواف کفایت از وضو می‌کند؟

جواب: بله، کفایت می‌کند و احتیاج به وضو نیست.[5]

غار حراء و جبل الرحمه

سؤال: رفتن روی کوه در عرفات چه صورت دارد؟ بهتر است بالا برویم؟

---

[1] . رجوع شود به وسائل الشیعة، ج ۵، ص ۱۲۳ و ۱۲۶.

[2] . رجوع شود به وسائل الشیعة، ج ۱۳، ص ۲۸۸ ـ ۲۹۰ و ۴۰۳.

[3] . رجوع شود به المزار الکبیر، ابن‌مشهدی، ص ۵۵؛ بحار الأنوار، ج ۹۹، ص ۱۱۵.

[4] . رجوع شود به وسائل الشیعة، ج ۱۲، ص ۴۴۷؛ ج ۱۳، ص ۱۵۰ ـ ۱۵۳.

[5] . جهت اطلاع از روایات دالّ بر کفایت غسل از وضو مطلقا، رجوع شود به وسائل الشیعة، ج ۲، ص ۲۴۴ ـ ۲۴۶.

جواب: نه‌خیر، رفتن بالای کوه در عرفات کراهت دارد؛ سنّی‌ها بالا می‌روند. بهتر است که انسان رو به قبله در سمت چپ بایستد و دعای روز عرفه را آنجا بخواند.[1] خلاصه رفقا باید ارج و قیمت آنجا را خیلی بدانند.

سؤال: رفتن به غار حراء چه صورت دارد؟

جواب: خوب است! خیلی خوب است و اگر کسی می‌تواند، برود؛ آنجا متذکر جایگاه پیغمبر و آن حالات و خصوصیّات بشود و خلاصه ارتباط برقرار کند. خیلی خوب است. البتّه بهتر است که انسان صبح قبل از طلوع فجر برود، چون بعد از طلوع فجر دیگر کم‌کم شلوغ می‌شود و زیاد افراد می‌روند؛ بهتر است در آن‌موقع برود تا اینکه به شلوغی آنجا برخورد نکند.

شک در طواف

سؤال: اگر در بین طواف در تعداد دوْرها شک کردیم تکلیف چیست؟

جواب: انسان باید در مورد طواف به حد متیقّن رجوع کند. البتّه اگر برای انسان قبل از نیم‌دوْر کامل، یعنی قبل از سه شوط و نیم شک پیدا شود و نتواند به هیچ‌وجه شک را برگرداند، باید طواف را از اول شروع کند؛ و اگر بعد از سه دور و نیم است به همان حد متیقّن عمل می‌کند و به آن مقداری که یقین دارد عمل می‌کند و طواف را ادامه می‌دهد.[2]

احکام غسل

سؤال: آیا با یک غسل می‌توان چند نیت کرد؟

جواب: بله، ایرادی ندارد.

در حج چه ذکری بگوییم؟

سؤال: اگر ممکن است راجع به ذکرهای مربوط به این ایّام و هم‌چنین آیهٔ سورهٔ I بقره که در نوارهای قبلی فرموده بودید و قابل شنیدن است، دوباره توضیح بفرمایید.

جواب: این مطالب را بنده عرض کرده‌ام و چندمرتبه هم عرض کرده‌ام. ذکرهای این ایّام، یکی اذکار توحیدیّهٔ حضرت موسی است، لا إله إلّا الله، و در مفاتیح هم نوشته شده است[3] و ایرادی ندارد که انسان آنچه را که در آنجا هست بخواند.

سؤال: در مکّه و مدینه در ایّام غدیر کجا و به چه‌کاری اشتغال داشته باشیم بهتر است؟

---

[1] . رجوع شود به وسائل الشیعة، ج ۱۳، ص ۵۳۴ و ۵۳۵.

[2] . رجوع شود به وسائل الشیعة، ج ۱۳، ص ۳۵۹ ـ ۳۶۳.

[3] . مفاتیح الجنان، ص ۲۵۲؛ ثواب الأعمال، ص ۷۲.

جواب: تفاوتی نمی‌کند. آنجا و اینجا ایرادی ندارد. بهتر است که انسان در همان اماکن متبرّکه باشد.

برخی از احکام دیگر بانوان در حج

سؤال: آیا می‌توان قبل از رفتن به عرفات، یعنی حدود روز پنجم تا ششم ذی‌الحجّه اعمال طواف نساء را انجام بدهیم؟ تا اگر عذر حاصل شد اعمال را [انجام داده باشیم].

جواب: نه‌خیر، انسان باید صبر کند و بعد انجام دهد؛ جایز نیست که قبل انجام بدهد.

سؤال: اگر ممکن است حضرت‌عالی نظرتان را نسبت به حکم شرعی مصرف قرص‌های ضدّ بارداری بفرمایید.

جواب: نیازی به مصرف این قرص‌ها نیست، بلکه بهتر است انسان همان‌طوری‌که خداوند برای زن تقدیر کرده است، همان‌طور انجام بدهد. بنده تضمین می‌کنم اگر کسی این قرص‌ها را نخورد به اندازهٔ سر سوزنی از ثواب او کاسته نخواهد شد و طبق دستور انجام داده است و انسان بدون هیچ‌گونه مشکلی می‌تواند آنها را انجام بدهد! چرا انسان از آن مسیر طبیعی و مجرای طبیعی که خداوند تقدیر کرده است بیرون بیاید و چرا برای خودش تکلیف جدیدی درست کند و بخواهد دلخواه انجام بدهد؟! خداوند گفته است که باید زن به این‌قسم تکالیفش را انجام بدهد؛ احرام نیازی به طهارت ندارد، رفتن در صفا و مروه نیازی به طهارت ندارد، رفتن به عرفات و مشعر و منی و رمی نیازی به طهارت ندارد؛ فقط آنچه که احتیاج دارد طواف و نماز طواف است، همین! دیگر سایر امور احتیاج به طهارت ندارد؛ و آن هم انسان می‌تواند به‌تأخیر بیندازد و انجام بدهد، اگر چنانچه تا وقت حرکت توانست انجام بدهد انجام بدهد، وإلاّ شخصی را نائب می‌کند و از طرف او انجام می‌دهد. علیٰ‌کلّ‌حال وقتی مطلب به این سهلی است، چرا انسان بخواهد خود را گرفتار کند و بخواهد تکلیف خود را عوض کند؟ پس بهتر این است که انسان از این قرص‌ها استفاده نکند و آنچه را که خداوند برای او تقدیر کرده است، همان را بپذیرد که اگر قرار باشد عنایت و موهبتی از جانب خدا باشد، پس بهتر است که انسان امور را به خود او واگذار کند تا بتواند به فیض بیشتری نائل باشد.[1]

سؤال: شوهرم بنده را امر کرده است که قبل از فرا رسیدن اعمال حجَ واجب بنده شروع به خورن قرص‌های ضدبارداری کنم تا رضایت ایشان جلب شود!

جواب: رضایت خداوند بر رضایت شوهر مقدّم است.

نماز میت در حج

سؤال: نماز میّتی که آنها بر مرده‌هایشان بعد از نماز واجب می‌خوانند، ما در آن‌وقت چه‌کار کنیم؟

---

[1] . رجوع شود به وسائل الشیعة، ج ۱۳، ص ۴۴۸ ـ ۴۶۶.

جواب: شما می‌توانید در همان وقت نماز میّت را اقتدا کنید، ایراد ندارد.

احکام و آداب متفرقه حج

سؤال: باید طواف و سایر اعمال برای اطاعت خداوند انجام شود و از ریا و خودنمایی به دور باشد، حال اگر قصد ما از انجام عمل ریا نباشد، یعنی در نیت عملمان این نیست که در نماز یا طواف یا سایر اعمال عبادی ریا کرده، ولی همیشه در هنگام انجام عمل این مسئله با ما همراه است که نکند ریا شود و گاه از ترس اینکه نکند این مسئله ریا باشد حتی برعکس نماز را سریع‌تر انجام می‌دهیم!

جواب: در اینجا نباید انجام بدهیم؛ خود همین تصوّری که در موقع نماز می‌کنیم شیطان است! یعنی همین‌که تصور می‌کنیم: «نکند ریا باشد!» خودش شیطان است! بنابراین نفس تصور باطل است و تند خواندن نماز هم باطل است و هرچه را که بر آن مترتّب است همه باطل در باطل در باطل است! به‌محض‌اینکه این تصور می‌شود که: «نکند ریا باشد!» باید بدانیم که این تصور را شیطان انداخته است و نباید توجه کنیم و باید دنبال اعمال و دنبال کارمان باشیم.

سؤال: آیا لازم است که به هر کدام از محل‌های مقدّسه، اعم از مسجدالحرام و طواف به دور آن یا سعی و عرفات رسیدیم، به اسرار باطنی هر محل و هر عمل نیز فکر کنیم و خود را متمرکز در آن کنیم یا فقط به خدا فکر کنیم؟

جواب: عرض کردم؛ نه، نیاز نیست که انسان مدام فکرش را نسبت به این قضایا [متمرکز کند!] اگر بداند که خوب است، بالأخره این مطالب را هم در ذهن به‌همراه داشته باشد؛ اما اینکه فقط بنشیند و ذهنش را متمرکز کند و خودش را به اذیّت بیندازد، نه! ما به این کیفیت تکلیف نداریم.

سؤال: فرمودید که انسان [وقتی که] از مکّه برمی‌گردد، این حالت را با خودش نگه دارد؛ در ارتباط با دیگران چه‌کار کنیم؟ هرچقدر که ارتباطمان را با دیگران کم کنیم ولی در مورد دیدار پدر و مادر که سفارش شده است، [ولی] غیبت می‌کنند و از مسئلهٔ غیبت ناراحت هستیم؛ چه می‌شود؟

جواب: دیگر بنده متعهّد مطالب و ارتباطات افراد نیستم! آنچه را که بنده عرض می‌کنم، آن چیزی است که به‌نظر می‌رسد و پیاده کردن این مطالب دیگر برعهدهٔ بنده و امثال بنده نیست. انسان باید حال خودش را حفظ کند، دیدن پدر و مادر هم لازم است، حالا آنها غیبت می‌کنند لازم نیست که انسان برود با غیبت آنها همدم بشود و دو تا هم خودش روی آن بگذارد! آنها در آن مجلس غیبت می‌کنند، انسان یک سلامی می‌کند و یک علیکی می‌کند و مدتی می‌نشیند و بلند می‌شود می‌آید! این رفتن و همرنگ شدن و نشستن باعث می‌شود که انسان کدورت پیدا کند و آن یافته‌های خود را از دست بدهد؛ و انسان می‌تواند ترتیبی بیندیشد تا اینکه کمتر در معرض این‌گونه مسائل قرار بگیرد. علیٰ‌کلّ‌حال انسان باید ارزش و قیمت این حالات را بداند و خلاصه،

به این زودی و به این مجّانی اینها را از دست ندهد.

سؤال: نماز شب عرفه چگونه است؟ شکسته است یا کامل؟ ظهر عرفه به چه‌صورت است؟

جواب: آنچه را که فعلاً در عرفات انجام می‌دهند و بنده دیده‌ام، نماز را تمام می‌خوانند؛ به این لحاظ که می‌گویند: «وقتی ما به مکّه می‌آییم، قصد مکّه و اطراف می‌کنیم به یک عنوان! بنابراین چون ده روز می‌مانیم عرفات هم جزء قصد ما حساب می‌شود؛» ولی این‌طور صحیح نیست! کسی که در یک‌جا قصد کند، حتی اگر ده روز هم مانده باشد وقتی که یک شب خارج بشود قصد آن ده روز شکسته می‌شود! البتّه این نظر همه نیست. بنابراین نماز شب عرفه تمام است، چون هنوز آن قصد مکّه به حال خودش باقی است؛ ولی وقتی که یک شب را خارج از مکّه به سر بردیم، از فردا نماز شکسته می‌شود! بنابراین نماز ظهر و عصر شکسته است، نماز مشعر هم شکسته می‌شود، نماز منی و تمام اینها هم شکسته می‌شود.

قربانی در حج

سؤال: آیا اگر خودمان برای قربانی برویم، در رسیدن به سرّ باطن مؤثر است؟

جواب: قضیّه فرقی نمی‌کند؛ البتّه بهتر است که در وهلهٔ اول خود حاجی قربانی کند و اگر نمی‌تواند، دستش را روی دست ذابح بگذارد و خودش [قربانی را] انتخاب کند، همهٔ اینها مستحب است و بهتر است که انسان نیابت ندهد؛[1] ولی فعلاً با شرایط فعلی کاری جز نیابت نیست! بنابراین خوب است که انسان روی این مسئله خیلی توجه و اصرار نکند. الآن مسائل فرق و تفاوت کرده است.

سؤال: فرمودید کسی که می‌تواند پول بدهد باید اسم بنویسد و منتظر رسیدن نوبت برای حج نشود، سؤال می‌کنند که آیا این‌طوری حقی از دیگران که در نوبت هستند ضایع می‌شود یا در غیر این‌صورت به چه نحو است؟

جواب: ضایع شدن حق از هر شخصی به هر نحوی باطل است و اگر بخواهد حجّی به این نحو انجام شود، حج او باطل است! یعنی اگر الآن کسی خارج از نوبت برود، چه سفارش و چه غیرسفارش، دیگر ما نمی‌دانیم به چه نحوی است، و این مسئله موجب شود که نوبت افرادی که در نوبت هستند به تأخیر بیفتد، این حج باطل است! بله، اگر شخصی متمکن است و می‌تواند بدون طریق عادی و ظاهری به حج برود، اگر صدمیلیون هم شده باید بدهد! این حرف، مطلبی است که بنده عرض کردم؛ کسی که متمکن است ولو یک میلیارد هم بدهد، نمی‌تواند به تأخیر بیندازد و طبق نوبت بخواهد برود! باید برود و خود استطاعت اقتضا می‌کند که حج را انجام بدهد. بله، اگر از آن طریق نشد و از طریق معمول شد، نباید حق دیگران را تضییع کند! اگر

---

[1] . رجوع شود به وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۱۵۰ ـ ۱۵۲.

بکند، حجّ او باطل است! باید صبر کند که به نوبت برسد.

سؤال: نماز زیارت ائمهٔ بقیع قبل از زیارت خوانده شود یا بعد از آن و در کجا خوانده شود؟

جواب: نماز زیارت بعد از زیارت است و انسان در هرجا بخواند اشکال ندارد؛ انسان می‌تواند ائمهٔ بقیع را زیارت کند و بعد بیاید در خود مسجدالنّبی نماز زیارت بخواند. خوب نیست که انسان پشت بقیع ـ چطور اینکه مشاهده می‌شود! ـ نماز بخواند، چون این موجب صحبت است و چهرهٔ خوبی هم ندارد و موجب ازدحام و... است و حق هم دارند.

سؤال: کمربندی که داده‌اند تا زیر لباس احرام و برای نگه داشتن آن ببندیم و پِرِس و چسبی است، اشکال دارد یا خیر؟

جواب: نه، اشکالی ندارد.[1]

سؤال: اگر زن در میقات حائض باشد و می‌داند که تا پایان وقت عمرهٔ تمتّع پاک نمی‌شود، به چه نیتی مُحرِم شود؟

جواب: نیت فرق نمی‌کند و نیت، همان نیت احرام و همان نیتی است که همه می‌کنند.

سؤال: اگر زمان حج فرا برسد و در عذر باشد چه نیتی کند؟

جواب: در آن‌موقع، آن احرام متبدّل به حج می‌شود بدون نیت دیگر! همان احرام او متبدّل به حج می‌شود، بعد می‌رود و اعمال حج و عرفات و منی و مشعر را انجام می‌دهد و بعداً می‌آید اعمال آن عمره را به‌اضافهٔ اعمال حج انجام می‌دهد و هیچ اشکالی هم پیش نمی‌آید.[2]

سؤال: آیا زن به‌صرف اینکه پس از پایان هفت روز از حیض در ظاهر و لباس پاک باشد، همین کفایت می‌کند یا اینکه باید بررسی هم کند؟

جواب: نه، اگر وقت او مشخص است و عادت او عادت وقتیّه است، به‌صرف اینکه پاک شد کفایت می‌کند و تفحّص و... هم لازم نیست.[3]

سؤال: اگر در مکّه یا مدینه در هتل نماز بخوانیم، باید کامل خواند یا شکسته؟

جواب: عرض کردم که می‌شود نماز را در مکّه و یا مدینه، در هر نقطهٔ آن تمام خواند.

سؤال: آیا می‌توانیم روزه بگیریم؟

جواب: نه‌خیر، روزه فرق می‌کند؛ انسان می‌تواند در جایی روزه بگیرد که قصد ده روز کند! گرچه نماز

---

[1] . رجوع شود به وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۴۹۱ و ۴۹۲.

[2] . جهت اطلاع از احکام مربوط به زنان دارای عذر در انجام مناسک حج، رجوع شود به وسائل الشیعة، ج ۱۳، ص ۴۴۸ ـ ۴۶۶.

[3] . جهت اطلاع از احکام حائض، رجوع شود به وسائل الشیعة، ج ۲، ص ۲۷۱ ـ ۳۶۹.

تمام است ولی مسئلهٔ روزه با نماز فرق می‌کند.

سؤال: در مورد چراغانی کردن و پلاکارد زدن حاجیان پس از بازگشت چه نظری دارید؟

جواب: البتّه اشکال ندارد و مسئله ایرادی ندارد، ولی امروزه این قضیّه و مطلب به چشم و هم‌چشمی و اعتبارات و... رسیده است و هرچه چراغانی بیشتر باشد و قربانی بیشتر باشد [بیشتر موجب چشم و هم‌چشمی است!] الآن به این وضعیت و به این کیفیت است؛ برای‌اینکه دیگران متوجه بشوند که حاجی آمده است ایراد ندارد، ولی نباید به‌نحوی باشد که تداعی شود این مطلب و قضیّه در این باب دارد جلو می‌رود! البتّه بنده در زمان مرحوم آقا ندیدم که ایشان به کسی توصیه کرده باشند که این کار را انجام بدهد و روی این حساب بهتر است که ما هم دست از این مسائل برداریم.

شک در اعمال حج

سؤال: آیا با شکّ به اینکه نماز طواف اشکال پیدا کرده است می‌توانیم دوباره اعاده کنیم؟

جواب: نه‌خیر، اعاده کردن نیاز نیست، بلکه وسوسهٔ شیطان است! اگر بعد از نماز برای انسان شک پیدا شود، مثل نماز صبح و مغرب و عشا است و چطور انسان نباید به شک بعد از نماز اعتنا کند، نماز طواف هم همین است. این را رفقا بدانند که هیچ فرقی به اندازهٔ سر سوزنی بین نماز طواف و نماز صبح نیست و یک سر سوزن تفاوت نمی‌کند! نماز صبح را چطور می‌خوانیم؟ شک می‌کنیم؟ شبهه می‌کنیم؟ وسوسه و خیال برای شما پیدا می‌شود؟ نه! نماز را می‌خوانید و بعد هم می‌روید سر صبحانه یا مشغول سورهٔ یٰس و دعای صباح می‌شوید و دیگر هر کسی [به‌دنبال کار خود است؛] این‌هم همین است و فرقی نمی‌کند! این‌هم نماز است.

اینکه آمده‌اند نماز طواف را در یک وضعیت خاصی قرار داده‌اند و غولی از آن درست کرده‌اند، تمام اینها چرندیات است! چرند در چرند است! صاف دارم خدمت شما می‌گویم! تمام اینها همه خلاف است! نماز طواف عین نماز صبح می‌ماند، حمد و سورهٔ آن همان است، خیلی به خودتان فشار نیاورید! [اینکه متوجه باشید] مخارج را رعایت کنید، همهٔ اینها شما را از خدا دور می‌کند! انسان باید در نماز به خدا توجه داشته باشد! مطلب مرحوم آقا در روح مجرّد را خوانده‌اید که آقای حداد چه گفتند؟[1] همین را در نماز طواف انجام بدهید! نه به «عین» آن نگاه کنید، نه به «ضاء» آن نگاه کنید، نه به «طاء» آن نگاه کنید و نه ﴿وَلَا ٱلضَّآلِّينَ﴾[2] را بپیچانید و بالا ببرید! تمام اینها [انسان را از خدا دور می‌کند!] بله، باید انسان قرائت خودش را تصحیح کند و این چه در نماز صبح و چه در نماز طواف، در هر دو لازم است! تصحیح کردن قرائت یک مطلب است و انصراف از معنا و توجه به پروردگار به لفظ یک مطلب دیگر است! این باطل است و آن واجب است؛ انسان

---

۱. روح مجرّد، ص ۱۶۱ ـ ۱۶۴.

۲. سوره فاتحه (۱) آیه ۷.

باید مخارج را صحیح ادا کند، انسان باید الفاظ را صحیح ادا کند، اما نه‌اینکه موقع مکّه به‌خاطر مسائلی و به‌خاطر ترس از چیزهای دیگری تازه به یادش بیفتد و بخواهد سراغ الفاظ و سراغ مخارج حروف و... برود! نه‌خیر، همین الآن هم لازم است که ما الفاظ را تصحیح کنیم و تجویدمان را تصحیح کنیم و مخارج حروف را بشناسیم و تمام اینها برای نماز لازم است؛ ولی نماز طواف هیچ فرقی به اندازهٔ سر سوزن ندارد! در موقعی‌که می‌خواهید نماز طواف بخوانید فقط به خدا توجه کنید و بس! اینکه چه دارید می‌گویید و حمد را چطور خواندید و... تمام اینها همه وساوس شیطان است. و هرچه هم بیشتر طول بکشد بهتر است، سوره‌های بزرگ بخوانید، البتّه اگر اقتضا می‌کند، وإلاّ در آنجا شلوغی و... برای سوره‌های کوچک هم مجال نمی‌دهد که انسان بخواند! ولی علیٰ‌کلّ‌حال اگر کسی جایی پیدا کرد و سوره‌ای که می‌خواند بزرگ‌تر باشد چه بهتر! در قنوت هر دعایی که دلتان می‌خواهد بکنید، خیلی با حالت باز و با حالت گسترش، فقط و فقط توجه به پروردگار [داشته باشید] و بدون وسوسهٔ خاطر و بدون تشویش و بدون تردید [به اعمال بپردازید] و بدانید که تمام اینها به‌جای اینکه شما را به خدا نزدیک کند دارد دور می‌کند! حقیقت مسئله همین است.

سؤال: آیا می‌توانیم برای وضو به‌جای اینکه آبروی دستمان بریزیم، دستمان را زیر شیر آب بگیریم و بعد مسح بکشیم؟

جواب: ایراد ندارد.[1]

سؤال: مقداری وجوهات شرعیه بدهکار هستیم، بعد از حساب کردن چقدر برای پرداخت آن‌وقت داریم؟

جواب: دیگر هر کسی خودش می‌داند.

بهترین عمل برای پدر و مادری

سؤال: بهترین عمل برای پدر و مادری که از دنیا رفته‌اند چیست؟

جواب: بهترین عمل این است که انسان آنها را در عمل خودش شریک قرار بدهد؛ یعنی بگوید خدایا، ثوابی از این اعمال من برای آنها هم بفرست! انسان بهتر است برای آنها دعا کند، انفاق کند، کمک به فقرا کند، نماز بخواند، طواف انجام بدهد، اینها اموری است که ثواب و نتایج آن به آنها عائد خواهد شد.

سؤال: اگر گوسفند را با ماشین‌آلات برای قربانی سر ببرند چه حکمی دارد؟

جواب: درصورتی‌که «بسم الله» گفته شود ایراد ندارد.

سؤال: اگر خانمی مُحرم بود و عذر شرعی برای او پیدا شد و وقت داشته باشد که خودش اعمالش را

---

[1] . رجوع شود به وسائل الشیعة، ج ۱، ص ۳۸۷ ـ ۴۰۰.

انجام دهد، آیا به‌علت سختی محرم بودن، می‌تواند نائب بگیرد و یا بهتر است صبر کند و خودش اعمالش را انجام بدهد؟

جواب: اصلاً جایز نیست که نائب بگیرد و حرام است! وقتی کسی می‌تواند صبر کند، باید صبر کند. مُحرم بودن که سختی ندارد، چیزی نیست! پوشش خانم‌ها هم که همان پوشش معمولی است، چادر و همین لباس معمولی است که می‌پوشند. اتفاقاً باید ما این را هم بدانیم که هرمقدار وقت احرام در ما بیشتر باشد، فیض بیشتر به انسان می‌رسد! چون انسان خودش را بیشتر در حضور می‌بیند. همین‌که شما احرام بستید، آیا توجه به تحولی که در شما پیدا شده است نمی‌کنید؟ یک تحول و تأییدی [احساس می‌کنید که] با نیم‌ساعت قبلتان فرق کرده‌اید! همین تحول هرچه بیشتر باشد، بیشتر فیض می‌رسد و نتایج آن هم بیشتر خواهد بود. بنابراین طبعاً باید خانم‌ها بیشتر صبر کنند تا اینکه عذرشان برطرف شود و بعد بروند اعمالشان را انجام بدهند. و باید بگویم که چه سعادتی از این بالاتر که خداوند کاری کرده است که انسان خودش را بیشتر درحال حضور احساس کند!

سؤال: اگر خانمی عادت متغیّر دارد و با یقین بر اینکه مدت عذر او تمام شده است، مثلاً در روز هشتمِ عادتش، اعمال خود را انجام دهد و در روز نهم دوباره آلوده شود، وظیفهٔ او چیست؟

جواب: اگر یقین دارد که روز نهم همان عادت است، باید اعمالش را دوباره تکرار کند.[1]

سؤال: اگر کسی تکیه‌کلامی دارد که دیگران آن را فحش می‌دانند، ولی قصد او فحش دادن نیست و بی‌اختیار از دهان او بیرون می‌آید، آیا باید گوسفند بکشد؟

جواب: نه، نیازی به کشتن گوسفند نیست؛ ولی باید ملاحظه کند که آن تکیه‌کلام را عوض کند و مراقبت کند تا اینکه این عادت برای او تغییر پیدا کند.

احکام نیابت

سؤال: این‌جانب از رفقای طهران هستم و شوهر بنده امسال عازم خانهٔ خدا هستند و به‌جای پدر شوهرم می‌روند (یعنی به‌جای پدرشان می‌روند)، پدر شوهر بنده پارسال اول دی‌ماه به رحمت خدا رفته است و امسال که نوبت مشرّف شدن ایشان به‌اتفاق همسرشان بود، قسمت ایشان شده است؛ بفرمایید وظیفه شوهر بنده چیست؟

جواب: اگر برای شوهر ایشان حج واجب شده است، جایز نیست از طرف پدرشان بروند و باید اول خودشان بروند! این فردی که می‌خواهد از طرف پدر به مکّه برود، در صورتی می‌تواند نیابت از طرف پدر

[1] . جهت اطلاع از احکام مربوط به زنان دارای عذر در انجام مناسک حج، رجوع شود به وسائل الشیعة، ج ۱۳، ص ۴۴۸ ـ ۴۶۶.

داشته باشد که یا خودش مستطیع نباشد و یا اینکه قبلاً حج را انجام داده باشد؛ اگر شخصی امسال مستطیع است، نباید از طرف پدر برود! اگر برود هم حج پدرش و هم حج خودش باطل است؛ یعنی نه به حساب پدرش حساب می‌شود و نه به حساب خودش حساب می‌شود.[1] اگر منظور از این نوشته این است باید این شخص به‌اتفاق همسرشان همان حجّی را که نوشته‌اند و ثبت‌نام کرده‌اند بروند.

سؤال: در ضمن نمی‌توانند برای پدرشان نائب بگیرند، زیرا مبلغ هشتصد الی یک میلیون تومان برای نیابت از پدر شوهرم می‌خواهند و این برای شوهرم سنگین است؛ بفرمایید تکلیف چیست؟

جواب: از اینجا معلوم می‌شود که حج برای خود ایشان واجب است و خود ایشان ثبت‌نام کرده‌اند! نه‌خیر، نباید ایشان از طرف پدرشان بروند و باید از طرف خودشان به‌اتفاق همسرشان به حج بروند؛ بعد اگر مستطیع شدند از طرف پدرشان هم در سال‌های آینده به نیابت بروند و انجام بدهند (یا خودشان و یا نائب بگیرند).

سؤال: ادب حضور در عرفات و منی و زیارت حرم مطهّر رسول و خانهٔ خدا را بفرمایید.

جواب: مطالب عرض شده است و دیگر نیاز به توضیح نیست.

مشاهده جمال نورانی امام زمان

سؤال: دستوری که آیا این چشمان ناسوتی می‌تواند جمال زیبای حضرت حجّة بن الحسن را مشاهده نماید؟

جواب: ملاقات با امام علیه السّلام در اختیار ما نیست، بلکه این مسئله به عنایت خود آن حضرت بستگی دارد. خود آن حضرت با ارادهٔ خود و با میل خود، خود را به بعضی‌ها می‌نمایاند و به بعضی‌ها نمی‌نمایاند و انسان نباید به‌دنبال این باشد که در آنجا بخواهد حضرت را ببیند! عرض کردم که در آنجا فقط باید انسان توجه خود را متمرکز در توحید کند و امام علیه السّلام هم از ما همین را می‌خواهد. حال فرض کنید که انسان در آنجا حضرت را دید، خب چه شد؟ من عکس حضرت را درمی‌آورم و به همه نشان می‌دهم، فرض کنید این عکس حضرت است، خب باز هم ما می‌خواهیم چیز دیگری از حضرت ببنییم؟ خب دیدیم دیگر! خود حضرت در آنجا از شیعیانشان می‌خواهند همان راهی را بروند که خود ایشان برای کمال و برای تربیت شیعیانشان می‌خواهند؛ و دستوری که داده شده این است که ما در آنجا در تحتِ ولایت آن حضرت باشیم و ولایت آن حضرت را که عین توحید است در نظر بیاوریم! اما اینکه دیدن ظاهری را هم قصد کنیم، این را به خود آن حضرت واگذار کنیم؛ اگر عنایت و لطف حضرت شامل حال ما شد، خب حضرت خودشان را یا در

---

[1] . رجوع شود به وسائل الشیعة، ج ۱۱، ص ۱۷۲ ـ ۱۷۴.

ظاهر یا در خواب و یا به‌وسیلهٔ دیگر نشان می‌دهند؛ هزار راه هست. و اگرنه، باید بدانیم که این مطلب هیچ ارتباطی به مسئلهٔ ما و توفیق ما و حجّ ما و قبولی ما ندارد و آن دیگر مصلحتی است که خود آن حضرت در نظر می‌گیرند.

سؤال: آیا مداومت ذکر شریف «یا عزیز» و «یا علیم» می‌تواند ما را کمک کند؟

جواب: بنده اطلاعی نسبت به این مطلب ندارم.

سؤال: موهایی که حلق می‌شود، لازم است که دفن شود؟

جواب: مستحب است! مستحب است که در همان منی دفن شود.[1]

اذکار توحیدیه

سؤال: وقتی چشمان ما به حرم مطهّر افتاد چه ذکری را به زبان جاری کنیم؟

جواب: عرض کردم: ذکر لا إله إلّا الله و الله أکبر و لا حول و لا قوّة إلّا بالله، این اذکار توحیدیّه و یا صلوات بر پیغمبر و ائمه علیهم السّلام چیزهایی است که بنده در این مورد به‌خاطر دارم و همان‌طوری‌که ذکر شد باید همهٔ توجهات منحصر به ذات اقدس پروردگار باشد و همان‌طور که در مطالب گذشته عرض کردم: مسئله در مدینه فرق می‌کند، در مکّه تفاوت می‌کند و حتی از مرحوم آقا شنیدم که ایشان می‌فرمودند:

> طوافی را که می‌خواهید انجام بدهید، این طواف را برای پیغمبر انجام بدهید! به آن شخصی هم که در نیت دارید ثواب خواهد رسید و بیشتر هم خواهد رسید! ولی طواف‌ها همه برای پیغمبر باشد، نیت برای رسول خدا باشد، نمازی که می‌خوانید برای رسول خدا باشد؛ عمل در آنجا فقط توجه به خداوند و نیت و ثواب برای رسول خدا است.

این بهترین راهنمایی است که بزرگان نسبت به مطلب کرده‌اند.

خب امیدورایم که إن‌شاءالله همهٔ رفقا با این هدف و با این نیت و با این خصوصیّات حرکت کنند و بروند و وارد این دریا بشوند و خلاصه تا جایی که عمق دارد [فرو] بروند! نترسند! خود را رها کنند! خیال نکنند که آنجا محل برای زیارت بزرگان و اولیای خدا است و ترس آنها را بگیرد که ما در اینجا راه نداریم و ما در اینجا قابل نیستیم! نه، خودشان را رها کنند تا اینکه از آن نعمات الهی بر آنها ببارد، و هرچه بیشتر سعهٔ خود را از آن جذبات و از آن انوار بیشتر کنند و تصور نکنند که این حالات و این جذبات و این جلوات برای عده‌ای خاص است! نه‌خیر، خداوند این راه را برای همه باز کرده است و انسان باید خودش را در این دریا بیندازد و رها کند تا اینکه بتواند با رها کردن آن طائر وصل را در آغوش بگیرد که خداوند متعال این سفر را برای این امر اختصاص داده است.

باید کاملاً در موقع مراجعت دقت کنیم، باید آن حال‌وهوا را حتی‌الإمکان در خودمان حفظ کنیم و

---

[1] . وسائل الشیعة، ج ۱۴، ص ۲۱۹ ـ ۲۲۱.

ارتباطات را کم کنیم، حتی صحبت غیر حرام را هم کمتر کنیم، چون خود صحبت کردن مدام از مایه می‌برد و مدام از کیسهٔ انسان خالی می‌کند! ولو صحبت‌های عادی باشد! به مسائل حج فکر کنیم، حالاتی که در آنجا برای ما پیش آمده است را مدام در ذهن بیاوریم، شب‌ها وقتی که می‌خواهیم بخوابیم با همان حال‌واحوال به خواب برویم؛ همهٔ اینها موجب می‌شود که تأثیرات حج و آن بارقه‌ها و جاذبه‌هایی که خداوند برای زوّار خودش قرار داده است بتواند بیشتر استقرار پیدا کند.

اللَهُمَّ صَلِّ عَلَی محمّدٍو آلِ محمَد